

ترامپ رسماً اعلام کرد، هسته‌ای بهانه است و از پروژه تجزیه ایران رونمایی کرد. پروژه‌ای که با واقعیت‌های اجتماعی ایران هیچ نسبتی ندارد و شکست خواهد خورد

پروژہ گٹیف ایرانستان



فرماندهان

ترامپ به نظر می خواست، منطقه را برای اسرائیل به بهشتی بی مثال تبدیل کند. او تلاش داشت در ایران، دست نشانده و گوش به فرمانهای مثل محمد رضا پهلوی را روی کار بیاورد تا از این طریق دوام رژیم را تضمین کنند. و ابعیت طرح ترامپ موسوم به MIGA (make israel great again) که به معنای عظمت را به ایران بازگردانیم است، همین است. ترامپ در واقعیت (make israel great again) بود. از این ایده دونالد ترامپ یکشنبه بهی درستی روی بعد از رژیم و به تأسیسات هسته ای ایران و تهدیدات علیه ایران، روضایی کرد. او در پیامی در شبکه اجتماعی اش نوشت که شاید استفاده از اصطلاح تغییر رژیم، از نظر سیاسی درست نباشد؛ اما «اگر رژیم فعلی نتواند، ایران را دوباره شکوهمند کند، چرا نباید تغییر رژیم اتفاق بیفتد؟» مقامات صهیونیستی از همان ابتدا گفته بودند که جنگ آن‌ها با ایران، جنگ وجودی است، حالا اما اظهار نظر صریح ترامپ در مورد پروژه تغییر نظام سیاسی در ایران نشان می‌دهد، امریکاهم بدون نقاب و آشکارا واردان بازی شده است. هدف او از مطرح کردن این ادعاها بازی با افکار عمومی داخل ایران است، کاری که در چند روز گذشته، رسانه‌های فارسی زبان وابسته آن‌ها برای تحقیق تلاش کردند و یو به نتیجه نرسیدند. ترامپ طرح «دولت عمیق» که ایران را آشکارا می‌بیند، کرد. در حالی که خوشنایب سیاست تجار و به ایران ایستادن مردم رژیم تسلسویزیست و مدعی می شوند که به دنبال ساخت ایرانی شاهکوه هستند، پروژه فربهی که قرار است از دل آن شکاف میان دولت و ملت بیرون

یابد و نتیجه هم قرار است که نه فقط ملت ایران که به نفع صهیونیست‌ها تمام شود، نتیجه مطلوب صهیونیست‌ها نیز تجزیه ایران و ضعیف‌نگه داشتن آن ای حفظ امنیت اسرائیل در منطقه است، پس فرت نیست خبری از ایران با بکوه باشد. شعار جدید ترامپ، عملیات فرتی برای جبران شکست پروژه جاد آشوب در ایران است. پروژه‌ای که قرار بود، بعد از جنگ، جامعه ایرانی به آشوب باشد و مسیر را برای فروپاشی فراهم کند، اما برعکس آن اتفاق افتاد و قطعی‌ای را سبب شد دیگرش ایران آمریکا و اسرائیل و در یک کلام، فرتی را برآسیب رسانده است. حالا ترامپ به امید تحقق این شفاف: MIGA را می‌زند گذشته است. با توثیق ترامپ، رضا پهلوی فرزند شاه مخلوع، که رتبه‌بندی‌های اجتماعی به او «حسرت السلطنه» می‌گویند، جانی دیواره رفت و نشست خبری با رسانه‌ها ترتیب داد و آن را به طور زنده در شبکه‌های اجتماعی خودش بازنشر داد اما این رویای بازگشت به قدرت، کمتر از ۴۸ ساعت بعد و با عملیات «بشار فتح» علیه پایگاه امریکا در قطر رنگ باخت و دونالد ترامپ از «آتش پیش» سخن گفت. اعلام آتش پیش، آب سردی روی رویای حسرت السلطنه ریخت و به او همانند که در نگاه امریکا و رژیم صهیونیستی، او دار و دسته اش بیش از یک «بازیکه موقت» نیستند. قرار می‌گیرد MIGA با پروژه آشوب اجتماعی در ایران کمک کند اما مشخص شد پهلوی‌ها حتی چند شمارش‌برای برای دیوانه‌سو می‌هم ندارند. حالا پادشاه احتمالی، اسرار خود را قبل از خانه‌نشسته و تحولات از راقاب تلویزیون

ظاهره می‌کند.

سعید آجورلو: پشت ایده تغییر نظام سیاسی، تجزیه ایران قرار دارد

بعد از تجاوز صهیونیست‌ها به ایران، مقامات صهیونیستی صراحتاً اعلام کردند که این جنگ برای آنها و ایران جنگ موجودیتی است. حالا رئیس جمهور آمریکا، مهم‌ترین حامی رژیم صهیونیستی یک روز بعد از حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران، صراحتاً در پیامی در شبکه اجتماعی اش از پروژه تغییر نظام سیاسی در ایران گفته و تلاش کرده با افکار عمومی مردم ایران بازی کند. سعید آجورلو، جامعه‌شناس سیاسی و فعال سیاسی اسفارا، در گفت‌وگویی که با ما داشته، اهداف و علل ادعای ترامپ را بررسی کرده که در ادامه آن نظر می‌گذرانید.

سازمان اجتماعی ایران تقویت شد

آمریکا از ابتدا به دنبال اجرایی‌سازی پروژه رژیم چنج بود؛ اما حالا علی‌آن را مطرح می‌کند. آجرولو در مورد پیگیری این طرح از روزهای شروع تجاوزات رژیم گفت: «قدرت پنهان در آمریکا (استیت) و بخش اصلی قدرت در تمام ۴۷ سال گذشته «طرح رژیم چنج» را دنبال می‌کرد. دوره‌های مختلف، با شیوه‌های مختلف، مسئله‌شان با نظام حکمرانی ایران همین بود. در یک درجه و زاویه متفاوت مسئله‌شان این بوده که کشور را فروغور و سبزه و سبزه ایران را تسبیح و با وسعت و جمعیت زیاد، فروپاشیده‌شد. پشت این تغییر بنیید نظام سیاسی ایران، تجزیه ایران را قرار داده بودند. از همان روزهای ابتدایی که اسرائیل با این حجم ترور تجاوز به ایران را شروع کرد، پروژه رژیم چنج را اکلیل زدند. موضوع پنهانی نبود. همان روزهای ابتدایی حملات گسترده به ایران دو تلقی داشتند، یک اینکه شورش و ناآرامی در ایران رخ می‌دهد و نکته دوم اینکه سازمان رزم ایران نمی‌تواند خود را بازسازی کند و از هم می‌پاشد و با این دو تلقی آمدند. اما با اتفاقاتی که در ۴۸ ساعت اول اتفاق افتاد و پافند ایران تقویت شد و به سمت حمله حرکت کرد، در انتها سازمان اجتماعی هم فروپاشید، بلکه منسجم‌تر و مستحکم‌تر شد. درواقع نه شکاف در جامعه افتاد افتاده نبود»

استیجاری ایران. پس محاسبه اینها غلط از آب درآمد.»

بازی ترامپ برای ایجاد شکاف دولت-ملت

پیامی که ترامپ در شبکه اجتماعی اش منتشر کرده می تواند دو معنا

هم از او گرفته شد. ما مذاکره کردیم، مسئله همیشه نظام سیاسی و ایران بوده‌است. ترامپ امروز، نماد ضدایرانی‌ترین وحشی‌ترین و تندترین سیاستمدار غربی است. تمام نقشه‌هایی که در سال‌های گذشته کشیده بود، از ترامپ نمایندگی می‌کند. یکسان دیوانه و مست زنگی را پیدا کردند و خط آنها را جلو می‌برد. علت اینکه این طرح را بیان می‌کنند این است که اینها به دنبال یک عملیات کوتاه، مستحکم و سریع، باشند و حجم وسیع بودند. امروز اگر از بالا به موضوع نگاه کنیم مشخص است که محاسبات اسرائیل و آمریکا، محاسبات دقیقی نبوده‌است و نتیجه ندادند و به همین دلیل فارز بعدی را سریع‌تر می‌کنند. در سمت دیگر و در مواجهه با رسانه‌های فارسی‌زبان هیچ چیزی مثل این ایام نتوانست نشان دهد که اینها صدای اسرائیل هستند. به‌هرصورت اثری از وطن‌پرستی در بخشی از اپوزیسیون ما پیدا می‌شود. جدای از مردم عادی، در روشنفکران و سلب‌پرستی‌ها، اما یک اپسیلون از این احساس وطن‌پرستی در پهلوی و این رسانه‌ها نیست. پهلوی می‌خواهد سوار هواپیمای اسرائیلی‌ها شود، بیاید ایران حکومت کند. درحالی‌که ظاهراً مسئله اینها این بود که مردم حکومت جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند. حال پهلوی از مطرح می‌کنند که هیچ مقبولیتی ندارد و اساساً عنصری ضدوطن است. وقتی آن عکس نشانها و پهلوی، کنار مصاحبه تانهاها و زراعتی قرار می‌گیرد کنار اخبار انتشارش قرار می‌گیرد، نشان می‌دهد که ضدملی‌ترین و ضدمیهنی‌ترین نیروها مقابل ایران قرار گرفته‌اند.»

جامعه ایران

شبيه آنچه ترامپ فکرمی کند نیست

پروژه جدید ترامپ هم شکست خواهد خورد، آچولولو در مورد علل شکست این پروژه گفته: «جامعه ایران یک روح جمعی بزرگ دارد، یک قدرت پنهان دارد و می‌داند که از این قدرت کجا استفاده کند، در عین آنکه تجربه تاریخی ضدسلطه دارد، پویایی هم دارد. یعنی با توجه به زمان و مکان حادثه تصمیم می‌گیرد و در موسسات مختلف، متفاوت تفکرات تصمیم می‌گیرد. همان کسانی که در مجاری مواضع محتوا تولید می‌کردند، امروز علیه اسرائیل محتوا تولید می‌کنند و این نشان می‌دهد جامعه‌ای با پیچیدگی و پویایی خاصی است و

داشته باشد. آجورلو در توضیح معنای این پیام گفت: «فاز دوم برنامه آنها، علنی کردن نیتشان است. قبل از حمله به فردو - که حمله به فردو هم نشان می‌دهد برنامه آنها گفته است، یعنی در فاز اول برنامه آنها محقق نشده است - اسرائیل ضربه می‌خورد و آمریکا را می‌میدان آورد. فاز جدید همین پیامی است که ترامپ مطرح کرده است. ترامپ از مطرح کردن این موضوع دو منظور دارد. یک نکته این است که ایران به حمله آمریکا پاسخ ندهد، در واقع ایران را تهدید می‌کند که اگر به پیام فردو پاسخ دهد به سمت این پروژه حرکت خواهم کرد که این موضوع چیز عجیبی نیست و آنها از ابتدا به دنبال رژیم چپ بودند. نکته دوم این است که می‌خواهد سازمان اجتماعی ما را از هم پاشاند. سازمان اجتماعی ما در ۱۱ روزی که از جنگ گذشته از هم پاشیده و همچنان کار می‌کند. آنها گمان می‌کنند که هوایماهایشان آسمان ایران را در اختیار می‌گیرند، زمین را هم مردم برای آنها می‌گیرند، درحالی‌که ضربات مهلک خوردند و در آسمان هم توفیق نداشتند. آمده بودند که مواد غنی شده ما را ببرند و تروانستند. براین اساس باید دید، ذیل فعال کردن دو شکاف پلی می‌رود. از یک سمت شکاف دولت، یک ایجاد کنند که نظام حکمرانی نمی‌تواند به سمت غفلت بدهد؛ چیزی که تحت عنوان MIGA مطرح می‌کند همین است و نکته دیگر این است که شکاف جامعه، جامعه درست کند. دوقطبی اجتماعی‌ای که وجود نداشت و دوقطبی‌هایی هم که وجود داشت از بین رفت. یک تئوری‌های دوجامعه‌ای وجود داشت که الان آن را نمی‌بینید. یک جامعه می‌بینید. درواقع از سرشت تا شهرام شبیریه در حال دفاع از این و محکومیت حمله به اسرائیل هستند که این یک اتلاف بی‌فایده است. حتی بخش زیادی از اپوزیسیون جمهوری اسلامی این تفاتی این استفاده است. تازمانی که این شکاف‌ها فعال نشود، به اهدافش نخواهد رسید».

ترامپ نماد وحشی‌ترین سیاستمدار آمریکایی

آجورلو در مورد اینکه اظهارنظر صریح ترامپ، از تغییر نظام سیاسی به معنای عدم تحقق این هدف توسط رسانه‌های فارسی زبان وابسته به رژیم بوده است، توضیح داد: «ترامپ از روز اول چیزی غیر از این نمی‌خواست و همه می‌دانستیم که موضوع هسته‌ای بهانه بود. این بهانه

اشک تمساح‌های ترامپ

مردم ایران را فریب نخواهد داد

باقری در مورد اینکه چرا تلاش دوباره ترامپ، برای ایجاد شکاف میان مردم و دولت، موفق نخواهد شد، گفت: «سابقه تاریخی این کشور و آب و خاک در هم‌های گذشته این را نشان داده که هر مسئله و شکافی داخل ایران وجود داشته باشد، حفظ تمامیت ارضی و همبستگی ملی، در شرایط فشار، باعث می‌شود که محاسبات برای تعرض به کشور با شکست مواجه شود، به همین محاسبات اشتباه در جنگ تحمیلی می‌بینیم؛ زمانی که صدام به ایران حمله کرد، از موضع غرب و چین عرب و فارس، انتظار داشت که خصوصاً قسمت‌های غرب‌نشین ایران از این حمله استقبال کنند. درحالی‌که مشاهده شد، همان عشایر و عرب‌های خوزستان، اولین مقاومت‌ها را در مقابل هجوم صدام، در کشور مشکل دادند. الان نیز همین است. اکثریت جامعه ایرانی، حتی با اینکه آسایش و رفاه و آزادی‌های اجتماعی از کانا‌دا مداخله خارجی و تعرض به تمامیت ایران، به آن‌ها و عدم توسعه یافتن ایران نمی‌کنند. علاوه بر این ایران در حالی‌ام در عهد صدام، با آن استقبال نمی‌زدند که نه‌تاج‌م اسرائیل به ایران که مردم حمایت اوست، عمل‌گرایان راست‌های تروسمه،

اجتماعی و اقتصادی ایران، مورد هدف قرار می‌گیرد. این قطور نگرانی و بسط‌وسازی برای توسعه‌ی فناپنکی یک کشور است که با تحکرات و فعالیت نظامی‌اش، به‌باوری این زیرساخت‌های اقتصادی و زیربنایی کشور، کمک می‌کند، اینها واقعیت‌هایی است که از چشم مردم پنهان نخواهد ماند و در واقع جامعه در قبال این اشک تسامح و ریختن و هم‌مردی‌های دروغین در قبال کشور و ملت، عکس العمل نشان می‌دهد، کما اینکه قبلاً هم عکس العمل نشان داده است.»

هدف، تعرض به یکپارچگی کشور است

هدف نهایی از شعارهای آنها برای ساخت ایران باشکوه، تجزیه و تضعیف ایران است، باقی در این مورد نیز گفت: «شخص است که دشمنان کشور و یکپارچگی ایران، مترصد این هستند که از فرصت‌های مختلف برای رسیدن به هدفشان استفاده کنند. حالا این فرصت‌ها می‌تواند، مطالبات اجتماعی داخلی باشد، مطالبات سیاسی، راضیاتهای اقتصادی یا موضوعی با فشارهای خارجی که مخالفت نظامی و جنگ نظامی در کشور باشد. فرقی نمی‌تند، اینها همه عرصه‌هایی است که آنها فکر می‌کنند به دلیل اینکه فشارها بر جامعه بالا می‌رود، فرصتی برای این است که بتوانند آن هدف را که مورد تعرض قرار دارد یکپارچگی ایران است، محقق کنند. در سال ۱۴۰۱ هم، اگرچه شکل گیری حوادث ۱۴۰۱ بر مبنای یک مطالبه اجتماعی بود. اما آنها سوار این موضوع شدند و آن را مسیر اصلی منحرف کردند و به سمت ویرا و کردن مردم با نظام سیاسی و سوق دادن به اهداف سیاسی و ایجاد تغییرات عمیق سیاسی در نظام حکمرانی ایران حرکت کردند. به‌رحال آنها این هدف را دنبال می‌کنند و تلاش می‌کنند از شرایط ایجادشده استفاده کنند و موضوع را به سمت آن هدف پیش ببرند. آن‌ها نیز همین است که آنها فکر می‌کنند، با آثاری که جنگ تمام‌عبار نظامی

مفاهیم را از چیزی است که آنها فکر می‌کردند و در عین حال هم جامعه قدرتمندی است. براین اساس اینها جامعه‌شناسی ایران را بلد نیستند و از آن طرف دنیا برای جامعه ایران تصمیم می‌گیرند و تحلیل می‌کنند، کما اینکه در انقلاب ایران نیز این موضوع را نفهمیدند، در عراق هم این را نفهمیدند.»

■ زمان حفظ و تقویت انسجام اجتماعی است

آجورلوه بی این موضوع هم اشاره کرد که در میانه پیشبرد این پروژه مهم، تیرین کار حفظ و تقویت سبازمان اجتماعی ماست و گفت: «امروز زمانی است که همه رسانه‌های ما، مخصوصاً صداوسیما، باید آماده پذیرش این ظرفیت‌ها باشد. ظرفیت‌ها هرگز است و صداوسیما هم باید خودش گسترده کند و این ظرفیت‌ها را خود جای دهد. نمایش، بیان، تبیین و پرورش منس شبیه شناسی ضداسرائیلی و وطنی و مذهبی و ملی، لازم است. بخش زیادی از آن باید در تلویزیون اتفاق بیفتد باید ظرفیتش را به اندازه ظرفیت‌هایی که در جامعه وجود دارد، گسترده کند. کاری که آقای چاوشی انجام داد، نماد جامعه ایرانی است. موسیقی چاوشی هم یک احساس ملی است. معلوم نیست که این فرصت همیشگی باشد. بنابه اتفاقات و رویدادها ممکن است فضا متفاوت باشد. امروز باید از آن یک سرمایه و قدرت ملی آفریده شد. کمی این نگرانی وجود دارد که از این سرمایه استفاده نشود. این فرصت ساختن سرمایه ملی در جهت تقویت سبازمان اجتماعی ایجاد شده است. سازمان‌های ما در حال پویایی و تکاپوست، سازمان اجتماعی ما هم پویایی و فعل و انفعال دارد. این استاتیکی نیست، دینامیکی است، رفت و برگشت دارد، تحت تاثیر اخبار و رویدادهای مختلف قرار دارد. بنابراین باید مراقبت شود و با توجه به وقایع با آن رفت و برگشت داشته باشیم. به همین خاطر است که می‌گویم نقش صداوسیما در این سازمان اجتماعی پررنگ‌تر است. هر قدر این سازمان اجتماعی را مستحکم‌تر نگاه داریم، مؤثره‌ای اینها شکست خواهد خورد. اگر پروژه تجزیه ایران دو بال داشته باشد، یک بال آن زدن سازمان‌های مردم‌پس و سیاسی و امنیتی است و بال دیگر زن سازمان اجتماعی ماست. باید مراقب این دو بال باشیم و مراقب از اینها راه مبارزه با پروژه تجزیه ایران است.»

— سلحشوری ملت، وظایف مارا سنگین ترمی کند

باقری به این موضوع هم اشاره کرد که حمایت مردم در هر شرایط سخت، وظایف نظام حکمرانی را سخت‌تر می‌کند و توضیح داد: «امروز در جامعه، سلحشوری و وادکاری ملت با نگاه‌ها و خاستگاه‌های مختلف را می‌بینیم و می‌شنویم. همه پای کار حفظ تمامیت ارضی آمده‌اند و این واقعیتی است، اما این مسئولیت نظام سیاسی در حوزه‌های مختلف حکمرانی را نیز مورد توجه قرار می‌دهد که حالا که ملت در بدین شرایط و فشارهای اقتصادی و اجتماعی، پای کار شود می‌آید، نکند ما در وظایفی که در قبال ملت و این کشور قرار داریم، غافل شویم. درست است که مردم در نگاه‌های پای کار می‌آیند اما این انتظار است که در شرایط عادی که ان‌شاءالله نزدیک خواهد بود، سیاست‌گذاری و هدف‌گذاری حکمرانی در کشور، به سمتی باشد که وحدت ملی امروز و اقشار مختلف و متنوعی که در وحدت ملی، مشارکت داشتند و برای آن قداکاری کردند را فراموش نکنند و زایه نگاه و سیاست‌گذاری را به گونه‌ای تنظیم کند که همه کلیتی که امروز با تفاوت‌های نگاهی پای استقبال ایران، آمدند، فراموش نکند و دست به انتخاب‌های گزینشی از بین این اقشار نکند و ایران، برای همه ملت ایران است که از تمامیت کشور دفاع می‌کنند و همه ملت ایران، در فرادی خروج از شرایط جنگی باید بتوانند زندگی مورد نظرشان را بیابند و پیدا کنند.»

ایران، عراق و سوریه نیست که بشود با وعده آسایش، مردمش را به پذیرش دخالت اجنبی راضی کرد. ترامپ اما فکر می‌کند، اگر وعده ساخت ایرانی باشکوه را بدهد، می‌تواند، پروژه ایجاد شکاف بین ملت و دولت را محقق کند، غافل از اینکه نتیجه وعده‌های پیشین آنها مقابل چشم کار دارد و خروجی آن هم چیزی جز، تجزیه ایران نیست. در گفت‌وگو با علی باقری، کارشناس مسائل سیاسی و فعال سیاسی اصلاح‌طلب به بررسی طرح‌های آمریکایی برای اسرائیل علیه یکپارچگی ملت ایران پرداختیم که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

هسته‌ای بهانه بود

باقی اشاره کرد که پیام جدید ترامپ نشان می‌دهد، ادعاهای در مورد برنامه هسته‌ای ایران، تنها بانه بوده، وی گفت: «آنچه عملاً در ۱۱ روز گذشته رخ داده، رفتار از هدف هسته‌ای است. ابتدای کار هم آمریکا، هم اسرائیل موضوع را هسته‌ای دانستند. با حمله روز یکشنبه آمریکا، فرض می‌کنیم، همان برداشت و ارائه‌ای که از حمله می‌دهند و می‌گویند یعنی خسارت هسته‌ای که با تأسیسات فرود آورده شده، درست باشد، البته هنوز هیچ منبع مستقلاً این را تأیید نکرده است. اگر آمریکایی‌ها به چنین چیزی معتقدند قاعدتا باید به اهدافشان در این حمله نظامی به ایران رسیده باشند و ادامه این منازعه و حمله بی‌مفهوم است، اما می‌بینم که این حمله ادامه پیدا کرده است. هم اسرائیل، هم خط و نشان کشیدن‌های آمریکا، نشان‌دهنده این است که آمریکا و اسرائیل به دنبال بانه برای ویراوری و نظام سیاسی ایران است و گر نه اگر این بانه نباشد به بانه‌های دیگری وین ویراوری را شکل خواهند داد، حالا صحت این تحلیل بیشتر اثبات می‌شود. نداشت رفتار از مواجعه با تازان ستاوردهای دانش استراتژیست‌ها در ایران است. اینها یک اشتباه محاسباتی داشته و دارند و فکر می‌کنند،